

بازاندیشی درباره‌ی مارکس و تاریخ

ژرفمانی پیرامون تیرها، دوره‌ها و نیرنگهای تاریخ تلاشی برای دست‌یابی به یک شیوه‌ی علمی و راهبردی در مطالعه‌ی جامعه است، به چیم تاریخ انسانی، در واقعیتی که اغلب ژرف مینماید. تاریخ انسانی: به دست‌آوردن و شناخت نظم و سراسر است و در واقعیت زندگی است. ناچار نوشته‌های برگزیده‌ای از یک "کنفرانس" درباره‌ی کتاب **Kohen A.G.** پیرامون "نگره‌ی تاریخ کارل مارکس"، را به تدریج میآوریم.

کتاب کهن به گستردگی همچون سندی ناممکن پیرامون مکتب تحلیلی یا بخردانه پیرامون مارکسگرانی شناخته شده است. اعتراف به اهمیت کار کهن پیشرفتی در ماده - گزینی تاریخی است.

پیشگفتاری پیرامون بازاندیشی درباره‌ی مارکس و تاریخ گفتارهای آورده شده در اینجا، کارکرد یک کنفرانس یک روزه است، از گروه ویزستان مارکسگرای انجمن سیاسی بریتانیا. تصمیم بر این بود که در ۲۵ مین سال چاپبخش "نگره‌ی کارل مارکس" تالیف جی. ا. کهن، بزرگداشت او و کتاب آورده شود. استاد جی. ا. کهن نیز در کنفرانس حضور پیدا کرد و پیرامون سخنرانیها نظر داد.

کتاب کهن دفاعی نیرومند بود از یک تفسیر قدیمی از نگره‌ی مارکس پیرامون کارکرد تاریخ. کتاب کهن افزون بر پرداخت عظیم بر نگره‌ی تاریخ مارکس، به نگره‌ی مارکسگرا معروف به تحلیل مارکسگرا نیز پرداخته است. این دو کار، البته، سخت به هم مربوط و وابسته‌اند، این برداشت تحلیلی کهن بود که کهن را قادر گرداند نگره را در تاشی به هم پیوسته و دفاع - پذیر ارائه نماید. باری کتاب کهن پیرامون گفتگوها درباره‌ی نگره‌ی مارکس در خصوص تاریخ و شیوه‌های تحلیل آن، همچنان در خور بحث و گفتگو در محافل باقی میماند... البته فرد میتواند یک مارکسگرای تحلیل‌گرا و فراکاتی باشد و جز آن همه چرت و پرت است...

نویسندگان، نقطه حرکت خود را از جنبه‌های متفاوت این میراث پیچیده میگیرند. چهار نوشته، سراسر با نگره‌ی تاریخ در آن مربوط‌اند، جستجوکنان پاک و روشن کردن آن و گسترش دامنه‌اش.

پل **Nolan** از گزارش مسائل و نکات خرد در کتاب نقد میکند، به ویژه از تکیه‌ی افزون به بخردانه بودن انسان همچون مکانیسمی فعال و به دفاع از ضد یک داستان بلند "**Darwinian**". بنا بر کلام نولان، بالا رفتن تاریخی در شیوه‌های معین تولید، وابسته‌ی تولید متفاوت گروه‌های انسانی است، معلول شیوه‌های تولید گروه‌ها. این مکانیسم بر بیشتر تاریخ انسانی، پیش از جمعیت‌شناسی، صدق میکند...

Alan Carling با نگرانی نولان شریک است در این که منطقی بودن مکانیسم به اندازه‌ی کافی نیرومند نیست تا نقش تاریخی نگهداری شده برای آن را نگاهدارد... چاره‌گزینی کارلینگ در بردارنده‌ی یک مکانیسم با برتری رقابتی است... تولیدهای متفاوتی در تاش اجتماعی همگام با تولیدگری بالاتر اقتصادی. این مکانیسم در میان فرایندهای رقابت اقتصادی، بر خوردهای نظامی، تلاشهای آرماتی... عمل میکند. آن به علت داشتن فرایندهای گزینش اجتماعی، دارویی است...

کلام دیوید **Laibman** در زمینه‌ی مادی گرانی تاریخی... نقش مرکزی بین‌المللی - گرانی را تأیید میکند. او اصرار دارد که هوشیاری انسانی، چنان که در فرایند کار فردی انسانی تجسم مییابد به آثار متوسطی در نیروها و ارتباط تولید رهنمون میگردد. در نظر لیب من، ارتباط میان عمل بین‌المللی و مسائل فراگیر و گسترنده در تضادهای طبقه‌نی شیوه‌های تولید، نگره‌های مراحل را پدید میسازند - "یک نمونه‌ی مطالعاتی تکامل اجتماعی لیب‌من پنج مرحله‌ی "سنتی" در تکامل تاریخی تشخیص میدهد: کمونیسم اولیه، غلامی، فئودالیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم امروزی. برای هر شیوه‌ی تولید، نیروها و روابط تولیدی، شرایط پیشین، تضادها و... توضیح داده شده. اما برای لیب‌من نکته در تکامل نگره‌ی است که هم دشوار و هم نرم باشد... این نشان میدهد که مراحل، داوری - گونه و دلخواه نیست، لیکن یک ساختار پیوسته منحنی - شونده‌ی تاریخ را به وجود میآورند...

پل **Wetherly** نیز با ساختار توضیحی نگره‌ی تاریخ سروکار دارد، لیکن دلبستگی او روی روابط منطقی میان ادعاهای عمل، برتر از پایه‌گذاری‌های کوچک نخستین است. او استدلال میکند که ارتباط بنیاد ساختاری نخستین، نوجه اندکی در کار کهن جلب کرد و گفتگوهای فرجامین نیز روی نیروها و روابط تولید تمرکز پیدا کرد. "این سان، آنان که دلبسته به نگره‌ی تاریخ بودند، دلبستگی بسیار به دولت ندارند و آنان که با دولت سروکار دارند، سروکار زیادی با نگره‌ی تاریخ نیافته‌اند." وزرلی میکوشد پیوستگی بهتری میان دولت و تاریخ بیابد، دقیقاً با بررسی این که چگونه نگره‌ی دولت میان نگره‌ی بزرگتر تاریخ جایگیر میشود...

نفوذ کهن در ۲۵ سال گذشته، نه به دقت از کیفیت روشنفکرانه‌ی کار او برآمده است، بل از این واقعیت که آن به نوشته‌های مارکس احترام و سپاس میگذارد... کهن در آغاز چاپ اول کتاب در یک دست به آنچه مارکس نوشت احترام میگذارد و در دست دیگر به آن استاندهای روشن و نیرومند که فلسفه‌ی تحلیلی سده‌ی بیستم را مشخص میسازند.

Renzo Llorent تقسیم کار را همچون یک مفهوم میازماید، هم در یک رویه‌ی فلسفی که در آن بر تفسیر و تعبیر کهن از مارکس انتقاد میکند و در یک رویه‌ی افزونتر آزمون‌ی دیگر در ارتباط با کار ریچارد **Arneson**. آن چنین استدلال شده است که توجه کامل به آنچه مارکس در این موضوع، نوشته است به تفسیر و تعبیری رهنمون میگردد که با آن کهن تفاوت دارد.

ادعای کهن بر این که مارکس از ابطال تقسیم کار دفاع میکند، در حالی که سازگار با سنت نیک - تاسیس شده‌ی سفرنگ مارکس میشود، توجه‌ناپذیر است، عمدتاً از آن که کمتر با بیشتر به گونه‌ی انحصاری بر یک عبارت تک از "ابدنولوژی آلمانی" استوار است، عبارتی که بیشتر، به تفریب با همه‌ی سخنان دیرتر مارکس در مسئله‌ی تقسیم کار، مخالف است، (که دریافت او را از شرایط قبلی کمونیسم نیز ذکر نکنیم). من علیه کهن، چنین معتقدم تنها تفسیر ممکن - به چیم آن که مارکس روی موضوع نوشت، هم‌چنان که در اندیشه‌ی روشنش داشت - این است که آنچه مارکس در واقعیت پیش گزارد ابطال آن چیزی است که آن تقسیم ساخت صنعتی کار به ویژه بود، و تقسیم دستی / مغزی کار به طول کلی و عمومی. (لورنت)

لورنت چنین استدلال میکند تقاضا برای ابطال تقسیم کار، هرگاه آن به درستی دریافت گردد، در بردارنده‌ی تقاضایی است برای شرایط کار که دارنده چنان صفاتی است همچون احترام به خود و رهنمائی خیش و شرایط درک‌پذیری و سلامت کارگران را بیشتر پیش میرد.

Alex Callinnicos روی مسائل اقتصاد سیاسی تمرکز پیدا میکند، به ویژه آنها که بر تمیز میان مادی و اجتماعی تمرکز میبندد و خود را با نگره‌ی ارزش کار ارتباط میدهند. نقد شدید کهن علیه "مارکسگرانی گرافه - گر" و یک رفتار سخت‌شونده که او را، به نوبت و ترتیب به شیوه - گرانی‌ی پذیرش‌پذیر همبسته با فرد - گرانی‌ی شیوه - گرا رهنمون شده است، فردگرانی‌ی شیوه - گرا یا انتخاب بخردانه، و انتخاب بخردانه، سرانجام، با خود دلیل کهن را در یک وضع و موقعیت دروغین قرار داده است، هم روشنفکرانه و هم سیاستمدارانه. "برنامه‌ی کاهش" در مقدمه چاپ دوم کتاب: به نظر کالی نیکس بسیار نیرومند است...

بهای سیاسی این شیوه، جدا و متزوی کردن کهن از جان تازه گرفتن اقتصاد سیاسی است که دارد پیوسته با جنبش‌های علیه سرمایه‌داری جهانی روی میدهد. و این به باز تولید بی - اثر - بودن اندیشه مارکسگرا کمک میکند، در بانارهایی که میتوانند درخشان گردد.

Alen Carling، سرانجام با همان مسئله‌ی باز - یابی مارکسگرانی، و طرح مسئله‌ی "نگره‌ی تمرین و عمل" به سوی نگره‌ی تاریخ سروکار دارد. همانند کالی نیکس، او نیز آثار رهائی‌سازی روشنفکرانه‌ی کهن را از یک فرضیه‌ی سنتی دنبال میکند، در این مورد این فرضیه که تمرین سوسیالیسم روی حقیقت ماتریالیسم تاریخی استوار است. و همانند کالی نیکس او چنین به پایان میرسد که کهن بسیار دور رفته است.

نویسندگان و شرکت‌کنندگان، به این نگره‌ی تاریخ میروند که پیش - اشتغالهای مختلف دارند و در اندازه‌گیری خود از تفسیر و توضیح کهن و دفاع از مارکس اختلاف پیدا میکنند. آنان هم‌چنین شیوه‌های برخورد متفاوتی در برابر کل حرکت تحلیل مارکسگرا نشان میدهند، چیزی که نگره‌ی کارل مارکس از تاریخ به گستردگی پایه - گذاری کرد و کهن یک مدافع انگیز - گر آن باقی میماند...

الان کارلینگ، دانشگاه **Bradford**، دانشکده‌ی مطالعات اجتماعی و بین‌المللی، انگلستان.

پل **Wetherly** دانشگاه **Leeds Metropolitan**، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، هنرها و جامعه، انگلستان.